



بضاعت‌ها و دارترین مردم، خودشان این مراسم را اجرا می‌کنند، دخلت در اجرای مراسم آئینی، آنها را از معنی تهی می‌کند، فرهنگ را نمی‌شود ساخت. فرهنگ خودش خودش را مشهور می‌کند، فرهنگ در بطن جامعه رشد می‌کند، و آگاهی از آن به غنای آن می‌افزاید. مردم ایران از نظر فرهنگی، یکی از نوادر کشورهای مدنی دنیاست. مثلاً در رسانه‌ای از بنده خواسته بودند که به جای استفاده از کلمه چهارشنبه‌سوری بگویم چهارشنبه آخر سال من مفهوم این تغییرات را متوجه نمی‌شوم، چرا که سوری به معنای جشن یا آتش است. و چهار به معنای چهار گانه‌هایی است که هستی بر پایه آنها بنا شده است چهار عنصری که پیوسته در حال گردش است، آب، باد، خاک و آتش. که همگی گرایی داشت نعمات خداوند است. این رسوم همه در دل خود بار معنایی خاص به خود را دارند، که با تغییر دادنشان تنه‌معی را از دل آن خارج می‌کنند در حالی که همچنان اجرامی شوند. ریتیم زندگی در حال حاضر نسبت به گذشته سریع‌تر شده است، عموم مردم زمان مطالعه ندارند، رساله تلویزیون می‌تولند در قالب مستندات و گفتگوهای کارشناسی در این حوزه آگاهی بدهند، اما متأسفانه این رساله معمولاً با اعمال سلیقه‌های شخصی خود در نظر کارشناسان، اجازه نشر آگاهی صحیح را نمی‌دهند، این اعمال سلیقه‌ها هم بیشتر به این خاطر است که دانشی نسبت به موضوع تخصصی مطرح شده ندارند، کما اینکه که در صورتی که شناخت عمیق از این مسائل پیدا کنند، نه تنها مغایرتی با آن در نظام فکری خود نمی‌یابند، بلکه تملکی این دانش‌ها کاتال‌های مکمل‌کننده در معناسازی هستند که به هر کدام باید به صورت جداگانه پرداخت، چه بسا که التقاط مصادیق فرهنگی، باعث عدم پذیرش آنها در جامعه می‌شود. و هر دور از معنای تهی می‌کند. در صورتی که اگر بدون دخالت بگذارند هر آئینی یا مولفه‌های خودش اجرا شود، تشنه‌های باروری جمعی و ذهنی در جامعه احساس می‌شود، که غایت نهایی همه آموزه‌های فرهنگی مردم ایران است.

است که عمدتاً به صورت جمعی برگزار می‌شود، از نظر شما بطور کلی مراسم‌های جمعی تا چه اندازه در تولید جامعه سالم موثر است؟

از نظر انسان‌شناسی دو کار کرد دارد، اولی پنهان و دومی کار کرد آشکار است. کارکرد آشکار این است که ممکن است بصورت ضعیف اجرا شود و یا اصلاً نشود، اما کارکرد پنهانش در بطن جامعه وجود دارد و نهادینه شده است. طوری که مردم خواه ناخواه همان کاری را می‌کنیم که آئین از ما انتظار دارد، چرا که این شالوده و پیرنگ قوی از قبل در جامعه پایه‌ریزی شده است، و به این آسانی از درون ما خارج نخواهد شد. حتی با وجود گسترش عطار بیانگر همین سفر جمعی است، که سی‌مرغ به دنبال خدا در یک سفر عرفانی باهم همراه شدند و در نهایت متوجه شدند خودشان همان سیمرغی هستند که در پی آن می‌گردند. اما متأسفانه ما حتی از همین داستان هم نتوانستیم در تولید آثار خود استفاده کنیم. در دراماتوزی کردن حتی ممکن است ما نامی از سیمرغ را نیاوریم، اما زیر متن اثر می‌تواند مستتر همین موضوع و مضامین باشد. فرهنگ غنی ایران در جهان شگفتی‌ساز است، همان طور که می‌بینید لعراب یک رقص بخصوص دارند که در مراسم گوناگون همان را اجرا می‌کنند، اما در ایران، فقط تبار کرد، ما، پنجاه مدل رقص دارد. در نهایت همان طور که آمده است «سگ اصحاب کعبه روزی چند بی نیکان گرفت و مردم شد» یک نفر می‌تواند نگاهبان این آئین‌ها و سنت‌های غنی باشد، و آن در جامعه شعله دهد. در ایران هم مردم هنوز روی کرسی‌های خود هندوانه و لاریا گل‌پر را دارند حتی اگر دلیل علمی وجود آن را ندانند.

چه کنیم که مولفه‌های آئینی و سنت‌های آئینی ایرانی حفظ شود؟

نباید در اجرای آن‌ها دخل و تصرف شود، مردم خودشان با کمترین

تمام این آموزه‌ها در زیر متن آئین‌های ایران باستان وجود دارد، در دنیا هستند هنرمندانی که آثار ارزشمندی با مضمون طبیعت تولید کرده و موفق شده‌اند، مثلاً پاراجانوف فیلمی را ساخته است با نام به رنگ نار که در آن به دارماتیزه کردن میوه نار پرداخته است. یا کلبه لیتویا اثر روبرت بروک که روی حیوان نمادین خرگوش کار کرده است. و همچنین تنسی ویلیلمز که در نمایشنامه باغ وحش شیشه‌ای روی لاسب شاخدار کار کرده است، این‌ها در حالی است که ما در ایران آئین‌ها و سنت‌های فرهنگی بسیاری نزدیک به درام داریم که نود درصد آنها آمادگی دراماتوزی شدن برای اثر سینمایی دارند که به هیچ کدام پرداخت نشده است. حتی اصغر فرهادی در فیلم چهارشنبه‌سوری فقط همان مراسم چهارشنبه‌سوری را به عنوان محملی برای پرداخت به روایت خود استفاده کرده است. کار دراماتوزی این است که موضوع را در برابر مخاطب بشکافد و مطلب زیرمتنی و نهایی یک آئین و نماد را عیان کند. مثلاً اگر کسی بود که می‌توانست مراسم آئینی شب یلدا را دراماتوزی کند، جهان متوجه می‌شد که این شب صرفاً فقط یک دوره‌می خلوادگی نیست چه بسا که در طول سال هم ممکن است خلواده‌ها کنار هم جمع شوند، اما شب یلدا از گذشته آئین‌ها و سکنتات مخصوص به خودش را دارد، از جمله اینکه بزرگترها و کوچکترها، زنان و مردان هر کدام نقشی مخصوص به خود داشتند، اسلین شب یلدا کارکردهای مثبت فراوانی دارد. خانواده درملی در محضر نور، آداب و رسوم این شب به صورت مفصل در کتاب هرودت و گزنفون آمده است. شب یلدا بی‌تظیرترین شب است که ما برای آن حتی حمل‌کننده‌های خوبی هم نیستیم. مترادف آن در اسلام صله رحم است. که پیام آن احترام به بزرگتر و تربیت کوچکترها در کنار بزرگتر هست. و نمادی از تشکر و درخواست از آفریدگار است. شب یلدا گرمیداشت خورشید است.

آئین ایران باستان مملو از اعیاد و آئین‌های سنتی و فرهنگی